



قاتل  
کثیف!



منارجنبان  
رابه خانه ات ببر!

۱۵

هواوی آماده کاهش شدید  
عرضه جهانی موبایل هایش

زندگی

یکشنبه ۲۲ تیر ۱۳۹۸ :: شماره ۵۴۱۳



## هیچ وقت لنگ نماندیم

سوال مهم درباره کمک‌رسانی‌های فاطمه احمدی این است که چه کسی هزینه‌ها را تأمین می‌کند؟ او که خود شاغل نیست، پس چه کسی هزینه‌ها را تأمین می‌کند؟ سوال اما مهم‌تر هم می‌شود زمانی که متوجه می‌شویم، به‌طور متوسط حداقل ماهی چهار، پنج میلیون تومان برای کمک‌رسانی هزینه می‌شود؛ هرچند که همه چیز متغیر است.

خود فاطمه و خانواده‌اش ماهی یک میلیون و ۸۰۰ تادو میلیون تومان به صندوق کمک می‌کنند. سایر هزینه‌ها از حلقه دوستان و آشنایان تأمین می‌شود. او معتقد است لطف خدا در کمک‌رسانی‌ها را دیده است. احمدی مثال می‌زند: «زمانی بود که ما برای دو نوجروس گلریزان گرفته بودیم و برای این که پول را تأمین کنیم، خودمان می‌خواستیم هزینه اولیه‌ای را بگذاریم.» اما آنها هیچ پولی نداشتند. فاطمه ناامید می‌شود و با نگرانی، برای آخرین بار، موجودی حسایش را چک می‌کند. در کمال ناباوری، موجودی او، یک میلیون و ۷۰۰ هزار تومان بوده است.

اتفاقی که به نظر فاطمه از برکات گلریزان است. بعدها که پیگیر می‌شوند موجودی از کجا آمده، متوجه می‌شود حق تشویقی و اضافه کاری همسرش به کارت واریز شده است. دست خداوندگره بسیاری از مشکلات را باز می‌کند. او خاطره دیگری هم از امداد غیبی دارد. در ماه رمضان سال گذشته، زمانی که او تمام بسته‌های ارزاق را میان خانواده‌های نیازمند تقسیم می‌کرد، یکی دو خانواده دیگر، به او معرفی می‌شود که نیاز به ارزاق داشته‌اند. احمدی اما هیچ بسته ارزاقی برایش باقی نمانده بود. غم این که کسی از در خانه او دست خالی می‌رود، می‌نشیند در دلش. او می‌گوید: «از ناراحتی قلبم سنگین شد. به حیاط خانه رفتم و از خدا خواستم که کمکم کند.» هنوز چند دقیقه از کمک خواستن از خدا نمی‌گذرد که یکی از دوستان احمدی با او تماس می‌گیرد و می‌خواهد با ۶۰۰ هزار تومان نذری که دارد، بسته ارزاقی برای خانواده‌های نیازمند تهیه کند.

فاطمه دلش قرص می‌شود و توضیح می‌دهد که به جز آن خانواده توانسته‌اند برای یک خانواده دیگر هم بسته ارزاق تهیه کنند. به جز فاطمه و همسرش، دختران کوچک او هم سبک زندگی پدر و مادر را الگو قرار داده‌اند.

مادر دو دختر می‌گوید: «یک روز که ما به خانه یکی از ایتم رفته بودیم، کودکی از ما اسباب‌بازی خواست.» آن زمان اما آنها هیچ پولی برای خرید اسباب‌بازی نداشتند، همین می‌شود که دختر پنج ساله فاطمه، یکی از اسباب‌بازی‌هایش را به مادر می‌دهد تا به کودک یتیم برساند. فاطمه خوشحال است که نودوستی در زندگی‌اش جاری است و بچه‌هایش هم با آنها همراهی می‌کنند.

تهیه جهیزیه برای بیش از ۷۰ عروس، تنها یکی از کارهای خیری است که زوج جوان تهرانی انجام می‌دهند

## مادر دهه شصتی عروس‌ها



۹۰ جهیزیه را برای نوجروسان، تهیه کرده است.

### پرس و جوی نامحسوس

برای فاطمه مهم است به کسانی کمک کند که واقعاً نیازمند باشند؛ همین باعث شده تا او خود دست به‌کار شود و برای تحقیق به محل زندگی کسانی که به او معرفی می‌شوند برود. فرقی هم ندارد که در کدام شهر و روستا، او بعد از معرفی بار و بنه را می‌بندد و راهی سفر می‌شود تا ببیند تا چه حد خانواده‌هایی که قرار است به آنها کمک کند، نیازمند هستند و چه نیازهایی دارند. یکی از اصول اولیه و مهم او اما این است که خانواده‌ها متوجه نشوند که او برای بازرسی آمده است. کرامت انسانی برای او مهم است. خانم خانه‌دار دهه شصتی، روش جالبی برای این تحقیقاتش هم دارد.

«به بهانه‌های مختلف، برای گرفتن یک لیوان آب خوردن، استفاده از سرویس بهداشتی یا خستگی در کردن به در خانه خانواده‌های نیازمند و همسایه‌ها می‌رویم.» هر چند برای او مهم است که همسایه‌ای از نیاز خانواده نیازمند چیزی متوجه نشوند و او مراقب است که طوری از دیگران پرس‌وجو نکند که آبروی خانواده‌ای برود. آنها به همین بهانه‌های کوچک، به درون خانه نیازمندان راه پیدا می‌کنند و شرایط زندگی را از نزدیک می‌بینند. نکته مهم در زنجیره کمک به نیازمندان، اما دوستان و معرف‌ها هستند. فاطمه که حالا از همه شهرها و روستاهای کشور، دوست و آشنا دارد به صورت سنتی با دیگران ارتباط برقرار می‌کند. هر خانواده‌ای که به او کمک می‌شود، بعدها دوست فاطمه شده و تبدیل به حلقه‌ای از زنجیره این کمک‌رسانی می‌شود.

### دوباره متولد می‌شوم

«نشاندن لیخنه بر روی لیان ایتم و نیازمندان برای من بس است.» فاطمه تا این حد بی‌ادعاست. دلخوشی او تنها دیدن همان لیخنه بی‌آلایش و واقعی نیازمندان است. «بعد از هر بار دیدن لیخنه بر روی لیان نیازمندان، دوباره متولد می‌شوم.» احمدی توضیح می‌دهد که فانی بودن در دنیا باعث شده راحت‌تر بتواند از نظر مالی کمک کند: «کمک به دیگران به شکرانه آن چیزی است که خداوند به ما عطا کرده است.» او معتقد است کمک به نیازمندان در واقع کمک به خودش است و بارها برکات و تأثیر کمک به دیگران را در زندگی شخصی‌اش دیده است.

در شهرهای دیگر را هم دارد؛ درست شبیه به سال‌های دور و مانند پدران و مادران سنتی که در نزدیکان خود، دستگیری می‌کردند. فاطمه هم درست مانند مادران و مادر بزرگ‌های قدیمی، برای نوجروسان مادری می‌کند و برای نوجروسانی که در گرانی هر روزه جهیزیه، چشم‌انتظار و نگران از دست‌رفتن آبروی خود جلوی خانواده شوهر هستند، احمدی مادرانه نگرانی آنها را برطرف می‌کند. فاطمه خود مادر دو دختر است. دختری هفت ساله و پنج ساله و درک می‌کند که حس و حال دخترها، درباره تأمین جهیزیه چگونه است و حالا تهیه جهیزیه، به کار هر ماه او تبدیل شده است. «هر ماه حداقل یک کامیون جهیزیه به نقاط مختلف ایران می‌فرستیم.» جهیزیه‌ای که درواقع وسایل اولیه یک زندگی معمولی و ساده است، وسایلی مانند فرش، اجاق گاز، یخچال و اتو که برای شروع زندگی دو نفر لازم است. در سال گذشته فاطمه ۳۵ قلم جهیزیه به کمک دوستانش تهیه کرده است؛ جهیزیه‌هایی که به صورت کامل یا خرد و جزئی تهیه شده است. هزینه تهیه ۲۰ جهیزیه ۳۰۰ میلیون تومان بوده است.

امسال هم با شروع سال، او کار را با تهیه سه جهیزیه شروع کرده است. در مجموع اما از زمانی که فاطمه کار را شروع کرده است، حدود ۸۰ تا ۹۰ جهیزیه دیگر را هم دارد؛ درست شبیه به سال‌های دور و مانند پدران و مادران سنتی که در نزدیکان خود، دستگیری می‌کردند. فاطمه هم درست مانند مادران و مادر بزرگ‌های قدیمی، برای نوجروسان مادری می‌کند و برای نوجروسانی که در گرانی هر روزه جهیزیه، چشم‌انتظار و نگران از دست‌رفتن آبروی خود جلوی خانواده شوهر هستند، احمدی مادرانه نگرانی آنها را برطرف می‌کند. فاطمه خود مادر دو دختر است. دختری هفت ساله و پنج ساله و درک می‌کند که حس و حال دخترها، درباره تأمین جهیزیه چگونه است و حالا تهیه جهیزیه، به کار هر ماه او تبدیل شده است. «هر ماه حداقل یک کامیون جهیزیه به نقاط مختلف ایران می‌فرستیم.» جهیزیه‌ای که درواقع وسایل اولیه یک زندگی معمولی و ساده است، وسایلی مانند فرش، اجاق گاز، یخچال و اتو که برای شروع زندگی دو نفر لازم است. در سال گذشته فاطمه ۳۵ قلم جهیزیه به کمک دوستانش تهیه کرده است؛ جهیزیه‌هایی که به صورت کامل یا خرد و جزئی تهیه شده است. هزینه تهیه ۲۰ جهیزیه ۳۰۰ میلیون تومان بوده است.

## زندگی+

### دستگیری از بیماران

فعالیت‌های فاطمه و گروهش، تنها به تهیه جهیزیه برای نوجروسان خلاصه نمی‌شود. او برای کمک به دیگران، از هیچ خدمتی دریغ نمی‌کند. به جز مادری برای نوجروسان، او مددکار بیماران هم است. بیماران که توانایی تأمین هزینه‌های درمان را ندارند، به فاطمه معرفی می‌شوند و او نگرانی تأمین هزینه‌ها را از آنها سلب می‌کند. او هر کاری که از دستش برپایید، انجام می‌دهد؛ از تهیه دارو برای بیمار سرطانی، تا تهیه پای مصنوعی برای بیماری که پایش را به خاطر دیابت از دست داده است؛ هرچند که عمده فعالیت‌های فاطمه به تأمین هزینه‌ها خلاصه می‌شود.

او با عشق از بیمارانش نام می‌برد. از کودکی که تصادف کرده است و هزینه‌های عمل جراحی پایش تأمین شده است یا از بیمار سرطانی که او هر ماه هزینه‌های شیمی درمانی‌اش را تأمین می‌کند و بیماران سرپایی که به‌خاطر عمل جراحی آپاندیس، یک درد ساده دست و پا کارشان به بیمارستان‌ها و مراکز درمانی افتاده است. از یکی از بیماران اما با افسوس نام می‌برد. بیمار سرطانی که در هشتگرد تبریز ساکن بود و هزینه‌های داروها و شیمی‌درمانی‌هایش را ماهانه دریافت می‌کرد. «بیماری رو به بهبود بود و شیمی‌درمانی هم خوب جواب داده بود، اما میکروب‌های بیمارستانی جان او را گرفتند.» فاطمه توضیح می‌دهد که از چند سال پیش تا به حال، حدود ۲۰ تا ۴۰ بیمار را که هزینه‌های آنها ۸ تا ۹ میلیون تومان، داشته‌اند، سالم از بیمارستان مرخص کرده است. این‌ها البته به جز بیماران سرپایی و بیمارانی هستند که با هزینه‌های جزئی کارشان راه می‌افتد.



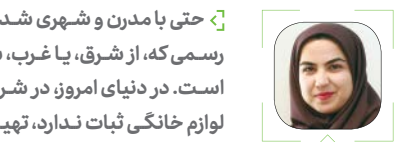
حتی با مدرن و شهری شدن دنیای امروز هم رسم تهیه جهیزیه از بین نرفته است. رسمی که، از شرق، یا غرب، شمال یا جنوب، در همه شهرها و مناطق ایران برقرار است. در دنیای امروز، در شرایطی که اوضاع اقتصادی خانواده‌ها بحرانی است و بازار لوازم خانگی ثبات ندارد، تهیه جهیزیه از عهده اغلب خانواده‌ها بر نمی‌آید و همین باعث شده بسیاری از خیرین دست به کار شوند و کابوس تهیه جهیزیه را برای نوجروسان به رویایی خوش تبدیل کنند.

یکی از همین خیرین که برای نوجروسان امیدوار مادری می‌کند، فاطمه احمدی است. دلیل صحبت با او، تهیه جهیزیه برای نوجروسان بود، اما زمانی که با او صحبت کردیم، معلوم شد دامنه فعالیت‌های او گسترده‌تر از اینهاست.

بگیرد. حال، او و گروهش، به شهرهای دیگر؛ مثل مشهد، یاسوج، خرم‌آباد، زنجان، تنکابن و بسیاری از روستاهای محروم کشور سر می‌زنند و برای خانواده‌های محروم و نوجروسان، جهیزیه تهیه می‌کنند.

### دایره دوستی برای کمک به نوجروسان

درست است که فاطمه در دهه ۶۰ به دنیا آمده و درواقع یک زن جوان مدرن به حساب می‌آید، اما مانند خیلی از مادرهای قدیمی، با دایره دوستان و آشنایانش، به دیگران کمک می‌کند درست در سبک زندگی شهری که عموماً آدم‌ها با هم کاری ندارند و در دغدغه‌های خرد و کلان سر در لاک خود فرو برده‌اند. او اما دغدغه شهروندانی که در کنار آنها زندگی می‌کنند، در شهرش و حتی دستگیری از دیگران بود.



لیلا شوقی

جامعه

سال ۱۳۶۲ به دنیا آمده است. خودش در تهران زندگی می‌کند، اما برای نوجروسان بسیاری از مناطق کشور که استطاعت مالی ندارند، جهیزیه تهیه می‌کند. ماجرای علاقه او برای کمک به دیگران از قبل از ازدواج شروع شد؛ زمانی که با همسرش آشنا شد و در نهایت با او ازدواج کرد. «همسر به دیگران کمک می‌کرد و قبل از ازدواج هم این موضوع را با من مطرح کرد.» گازکشی در روستاهای محروم و کمک به نیازمندان از کارهایی بوده که همسر فاطمه در دوران مجردی، انجام می‌داده است. همین باعث شد تا او هم جذب کمک به دیگران شود و همراه و همپای همسرش در راه کمک به دیگران قدم بردارد. حمایت همسر و تشویق او برای کمک به دیگران، باعث شد فاطمه نیز به دنبال دستگیری از دیگران بود.

### کمک‌رسانی به کیلومترها دورتر از خانه

بعد از ازدواج، زوج جوان، با هم به دیگران کمک می‌کردند، اما همه چیز در بعد وسیع‌تر خود از پنج‌شش سال پیش شروع شد. زمانی که یکی از دوستان به فاطمه اطلاع می‌دهد در کاشان خانواده‌ای زندگی می‌کنند که از ابتدایی‌ترین وسایل برای یک زندگی معمولی بی‌بهره هستند. فاطمه و همسرش به دیدار آنها می‌روند و با صحنه عجیبی مواجه می‌شوند؛ آنها حتی یک لیوان که با آن آب بخورند یا قوری که با آن چای دم کنند هم نداشتند. شرایط خانواده به حدی متأثرکننده بود که فاطمه سریع دست به کار می‌شود و با کمک دوستان و همسرش، برای خانواده وسایل موردنیازشان را تهیه می‌کنند و با کامیون از تهران به کاشان می‌فرستند. این اولین تجربه کمک به خارج از شهری فاطمه می‌شود. او که در پایتخت زندگی می‌کند، در ابتدا کمک‌هایش به شهر خود خلاصه می‌شد اما شیرینی کمک به کیلومترها دورتر از خانه باعث شد که تصمیم بگیرد کمک‌هایش را در بعد وسیع‌تری پیش



info@jamejamonline.ir

روابط عمومی: ۲۲۲۶۱۴۲

### پیل-عابر-پیاده

ذوالقدر از کرج:

نبود پیل عابر پیاده در چهارراه امام استان البرز، باعث به زحمت افتادن عابران و سالخوردگان برای عبور از عرض خیابان شده و احتمال بروز تصادف را افزایش داده است.

### نوار-تست-خون

سنوآتی از تهران:

کمپاب شدن و گرانی نوار تست خون برای بیماران دیابتی مشکلاتی به‌وجود آورده است.

### تدرد-پولی

احمدی از تهران:

به تازگی در سایت تهران من ثبت نام کرده‌ام اما همان ابتدای کار در سایت برای من مبلغ ۴۸ هزار و ۸۰۰ تومان به عنوان بدهی شهری توضیح نمی‌دهند این بدهی مربوط به چیست و ابتدای ثبت نام شهروندان باید پول پرداخت کنند؟

### پارک-اعتیاد

اصغری از تبریز:

پارک زیتون در خیابان نبرد جنوبی تهران پاتوق معتادان شده است.

### جوابیه

در پی درج پیامی در یکم خرداد ۱۳۹۸ با عنوان «انباشت زباله» روابط عمومی شهرداری منطقه ۴ تهران با ارسال نمابری اعلام کرد: نظافت و پاکسازی معابر منطقه چهار طی چندین نوبت و در طول شبانه‌روز انجام می‌شود. لذا با توجه به درخواست شهروندان پیاده‌رو و فضای سبز خیابان ساق‌دوش در محله پاسداران پاکسازی و نظافت شد.

### جوابیه

در پی درج پیامی در ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۸ با عنوان «حضور متکدیان در بلوار میرداماد» رئیس روابط عمومی شهرداری منطقه ۳ تهران با ارسال نمابری اعلام کرد: خدمات اجتماعی شهرداری تهران به صورت متمرکز اقدام به جذب (آسیب‌دیدگان اجتماعی) از جمله متکدیان در سطح منطقه می‌نماید و مرکز خدمات اجتماعی منطقه نقش هماهنگ‌کننده در این موارد را دارد. لازم به ذکر است شهروندان می‌توانند در صورت مشاهده موارد مشابه با شماره ۱۳۷ یا مدیریت پیام سازمان خدمات اجتماعی شهرداری تهران تماس حاصل کرده تا نسبت به جذب افراد آسیب‌دیده اقدام لازم صورت پذیرد.